

آموزش و پرورش دوره متوسطه از منظر آینده پژوهی

مقدمه

در عصری که از آن با عنوان «عصر انفجار اطلاعات» و همچنین «عصر توسعه دانایی محور» یاد می کنند و در آن تغییر و تحولات به صورت لحظه ای اتفاق می افتد، بی اعتمادی به آینده و تا حدودی ترس و نگرانی از معضلات فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی آینده، تصمیمات و برنامه های جوامع را تحت شعاع خود قرار داده است. بر همین اساس است که گفته اند: «آینده نگری در عرصه های مختلف اجتماعی، ضرورتی انکارناپذیر است» (اورنشتاین و هانکینز، ۲۰۰۴؛ به نقل از آزادمنش، ۱۳۸۶: ۶). بنابراین برنامه ریزی از نوع نگاه به آینده است، شرایط امروزی جوامع، سبب شده است که هرگونه برنامه ریزی در ابعاد مختلف رویکردی آینده نگرانانه داشته باشد. تنها در این صورت است که می توان از برنامه به عنوان نقشه راه آینده یاد نمود.

آموزش و پرورش یکی از حوزه های کلیدی در همه جوامع است که از گذشته تا امروز سرنوشت بشر تأثیر بسزایی داشته و از جایگاه خطیری برخوردار بوده است. این امر بر اهمیت و پیچیدگی مسئولیت ها و مأموریت های آموزش و پرورش افزون شده است. زیرا اگر هدف آرمانی و غائی آن را تربیت انسان مطلوب و به تعبیری «شهروندی ایده آل» بدانیم، جوامع امروزی انسان هایی با قابلیت ها و توانمندی های گسترده تر و پرمسئولیت تر می طلبد. لذا سیاست گذاری و برنامه ریزی های آینده نگرانانه در آموزش و پرورش با در نظر گرفتن ابعاد مختلف تربیت و همچنین پیش بینی هوشمندانه مسائل و چالش ها و تهدیدهای پیش رو

برای تشریح بهتر اهمیت آینده‌نگری می‌توان به مقوله «تربیت معلم» اشاره نمود و اینکه وظیفه دانشگاه فرهنگیان تربیت معلمان است که بتواند دانش‌آموزان را برای زندگی مطلوب در جامعه آینده تربیت نماید

امری لازم و ضروری است. تافلر^۲ می‌گوید «آینده بر ما می‌تازد». پس باید برای رویارویی با آن آماده بود و آموزش و پرورش باید این آمادگی را تدارک ببیند. بدین لحاظ در زمانه پر آشوب و سرشار از تغییر و تحول، تنها با مسلح شدن به روان‌شناسی آینده است که آموزش و پرورش می‌تواند با بازبینی مقوله یادگیری، خونی تازه در رگ‌های خود جاری کند (تافلر، ۱۳۷۷: ۳۱).

نکته دیگر اینکه آموزش و پرورش که یکی از حوزه‌های اثرگذار و بنیادین فرهنگی در هر کشور است، ماهیتی «آینده‌نگرانه» دارد؛ زیرا برونداد و خروجی آن تربیت نسلی برای زندگی در جهان فرداست. لذا هرگونه برنامه‌ریزی و طراحی در این نهاد، باید رویکردی آینده‌نگرانه داشته باشد. توضیح بیشتر اینکه در بحث وظایف آموزش و پرورش همیشه این‌گونه سؤالات مطرح است که: تا چه حد می‌توان با امکانات و شرایط موجود امروز و اطلاعات دیروز، دانش‌آموزان و فراگیران فردا را تربیت کرد؟ آیا پیش‌بینی‌ها، پیش‌داوری‌ها، قضاوت‌ها و قواعد طراحی شده امروز، موفقیت تعلیم و تربیت فردا را تضمین خواهد کرد؟ آیا ... آموزش و پرورش آینده‌نگر، نظامی است که بر مبنای آینده‌نگری و تحلیل شرایط پیش‌رو، افق‌های آینده را ترسیم کند، فرصت‌ها را عمیق‌تر ارزیابی کند، موانع را بهتر درک کند و در نتیجه در تدوین راهبردها و خط‌مشی‌های لازم سنجیده‌تر عمل کند. برای تشریح بهتر اهمیت آینده‌نگری می‌توان به مقوله «تربیت معلم» اشاره نمود و اینکه وظیفه دانشگاه فرهنگیان تربیت معلمان است که بتوانند دانش‌آموزانی را برای زندگی مطلوب در جامعه آینده (بین زمان حال تا حدود ۷۰ سال آینده) تربیت نماید. این شهروند مطلوب بایستی توانایی زندگی در اجتماع و بازار کار آینده را داشته باشد و نه تنها از پس مسائل و مشکلات دوره زمانی پیش‌روی خود برآید، بلکه باید بتواند به بهترین‌وجه از امکانات و ظرفیت‌های زمان خود بهره



گيرد و زندگي مطلوبی را برای خود رقم بزند. نگاهی به سیر تحولات دوره اخیر در آموزش و پرورش، این واقعیت را آشکار کرده است که پدیده‌های اثرگذار در این عرصه روزافزون است و برای مهار این پدیده‌ها و پیش‌بینی تحولات و عواقب آن‌ها، نیاز به برنامه‌ریزی و آینده‌نگری است. چرا که به قول امیری (۱۳۶۹) «آینده، دیگر تکرار گذشته نیست» و به تعبیر مهدیان (۱۳۸۵) توجه به آینده موجب می‌شود که روندها و گرایش‌های حال را بهتر بشناسیم و ارزیابی کنیم، زیرا آینده جامعه ما به این بستگی دارد که چگونه از هم اکنون، آمادگی لازم را برای رویارویی با تغییرات و تحولات و پیشامدها ایجاد کنیم. مادام که سیاست‌ها و برنامه‌های آموزش و پرورش بر اساس مطالعات آینده‌نگرانه تدوین نشود، نظام آموزشی به تبع وقایع و حوادث و بنا بر تقدیر رشد می‌کند و به جای آنکه چاره‌ساز مشکلات باشد، خود، مسائل و خسارت‌های بسیار به وجود می‌آورد (مهدیان، ۱۳۸۵: ۱۹۴).

هدف آینده‌گرایی در تعلیم و تربیت کمک به جوانان امروز است تا با بحران‌هایی که با آن‌ها مواجه خواهند شد، کنار بیایند و از فرصت‌هایی که در یک دنیای متغیر به وجود خواهد آمد به نحو بهینه بهره‌برداری نمایند. بوردین^۲، برای حفظ مدارس در جریان زندگی، مربیان را به استفاده از آینده‌گرایی (طرح‌ریزی هوشمندانه و خیالی پدیده‌ها و شرایطی که در شرف وقوع است) تشویق می‌کند (سیلور و همکاران، ۱۳۸۰؛ به نقل از آقایی، ۱۳۸۹: ۳۶).

آموزش و پرورش ایران برای اصلاح ساختار خود با چالش‌های بزرگی همچون به‌روز نبودن روش‌های تدریس، کم‌توجهی به مراکز تربیت معلم به‌عنوان نهاد تأمین‌کننده نیروی انسانی مجموعه فرهنگی کشور، کمبود اعتبارات و فضاهای آموزشی، مدیریت‌های ناآشنا به مجموعه آموزش و پرورش، دیوارکشی بین بُعد پرورشی و بُعد آموزشی، ناتوانی در به‌کارگیری فناوری اطلاعات و روش‌های جدید آموزشی، حجیم بودن ساختار اداری آموزش و پرورش، منطبق نبودن آموزش‌های ارائه شده به دانش‌آموزان با نیازهای جامعه و نبود ارزیابی مشخص، تأثیرگذار و دقیق برای سنجش آموخته‌های آن‌ها، ضعف در فراهم کردن مدیریت آموزشی کارآمد و متخصص و تعریف سیاسی

از پست‌های آموزشی و پرورشی - حتی در سطح مدیریت مدرسه -، حجم بالای محتوای کتاب‌های درسی و تعداد عناوین آن‌ها و... مواجه است. این عوامل در مجموع، نظام آموزشی کشور را چندان کارآمد جلوه نمی‌دهد. (آقایی، ۱۳۸۹: ۱۳۶). از طرفی بعضی از اندیشمندان حوزه تعلیم و تربیت علل مشکلات اساسی آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران را تقلیدی بودن نظام آموزشی، عدم محوریت فلسفه تعلیم و تربیت منطبق با مبانی دینی، فرهنگی و بومی کشور، عدم برنامه‌ریزی‌های میان‌مدت و بلندمدت برای آینده و پیش‌بینی نکردن تهدیدها و چالش‌ها در آینده آموزش و پرورش و تبدیل نکردن آن‌ها به فرصت می‌دانند.

با این اوصاف باید پذیرفت که چون هدف آموزش و پرورش، «تربیت انسان مطلوب برای آینده» است، آینده‌نگری در ذات آن است و آینده‌شناسی برای پیشبرد اهداف و رسالت‌هایش ضرورتی انکارناپذیر است. به نظر می‌رسد یکی از استلزامات تربیت آینده‌سازانی با این ویژگی‌ها، برنامه‌ریزی آینده‌نگرانه در آموزش و پرورش است. از مشخصه‌های محوری این برنامه‌ریزی آنکه در این برنامه نه تنها باید نسخه‌ای برای درمان آسیب‌ها و مشکلات موجود نوشته شده باشد، بلکه بایستی با رویکردی پیشگیرانه، تهدیدها و نگرانی‌های تربیتی آینده را مهار نموده و برای تربیت انسانی در شأن جوامع آینده نقشه‌ای را ترسیم نماید. بر همین اساس در این نگاشته به آینده‌نگری در بخشی از نظام تربیتی، یعنی آموزش و پرورش دوره متوسطه پرداخته شده است.

واقعیت این است که آموزش و پرورش در دوره متوسطه^۴، به‌عنوان یک دوره تحصیلی بسیار مهم در تربیت رسمی، علاوه بر مهیا نمودن دانش‌آموزان برای ورود به دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، کارکردهای مهم دیگری نیز دارد که از جمله آن‌ها آماده‌سازی دانش‌آموزان برای ورود به زندگی مستقل و برعهده گرفتن شغلی مناسب است و مستلزم ترسیم نقشه راه با رویکردی آینده‌نگر است. این نقشه راه دارای اجزا و عناصری است که در ادامه به تعدادی از مؤثرترین آن‌ها در حوزه آموزش و پرورش دوره متوسطه اشاره می‌گردد:

عناصر تأثیرگذار بر آموزش و پرورش دوره متوسطه

مشایخ (۱۳۸۵) از نگاه بانک جهانی آورده است که آموزش با کیفیت دارای دو مؤلفه: «عملکرد یادگیرنده» و «محیط یادگیری» است. محیط یادگیری شامل معلم، برنامه درسی، کتاب درسی، آزمون‌ها (ارزشیابی)، فضای فرهنگی مدرسه و فرایند یاددهی - یادگیری و غیره است که باید متحول شود (خورسندی، ۱۳۸۵: ۶۳). در اسناد تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران عناصر مرتبط با محیط یادگیری که در بالا ذکر گردید، به صورت کامل و به‌عنوان شش رکن یا زیرنظام اصلی نظام تربیتی آورده شده است که عبارتند از مدیریت و رهبری، معلم و تأمین نیروی انسانی، برنامه درسی، منابع مالی، فضا، تجهیزات، فناوری و تحقیق و ارزشیابی. یادگیرنده نیز که مرکز اصلی در چرخه نظام تربیتی است به‌عنوان یکی از مؤلفه‌ها مدنظر بوده است.

با این اوصاف ساختار اصلی این نگاه‌شسته نیز برگرفته از ترکیبی از شش زیرنظام ارائه شده در اسناد تحولی و عناصر زیرمجموعه محیط یادگیری و عملکرد یادگیرنده مدنظر بانک جهانی است که تحت شش عنوان کلی جامعه و فرهنگ، برنامه درسی، معلم، مدرسه، پژوهش و ارزشیابی و بالاخره یادگیرنده با محوریت عوامل پیش‌روی آموزش و پرورش دوره متوسطه تنظیم و تدوین شده و به شرح زیر مورد بحث قرار گرفته است.

۱. جامعه و فرهنگ

مهرمحمدی (۱۳۸۵) معتقد است دستگاه تعلیم و تربیت، در هر کشوری، در دستیابی به اهداف اجتماعی و... نمی‌تواند فعال مایه‌اش باشد. علت این امر آن است که نظام آموزشی خرده نظامی است از نظام کلان اجتماعی کشور و میزان اقبال افراد نسبت به یک زمینه خاص مطالعاتی یا یک شاخه تحصیلی، بیش از آنکه معلول بعضی از سازوکارهای درونی آموزش و پرورش باشد، تحت تأثیر محیط و عوامل بیرونی است که دستگاه تعلیم و تربیت را در بر گرفته‌اند. این عوامل بیرونی، از قبیل خانواده، رسانه، زمینه‌های سیاسی - اجتماعی و اقتصادی کشور و غیره است که به‌طور طبیعی با آموزش و پرورش در قالب یک نظام کلان اجتماعی در تعاملند. (خورسندی، ۱۳۸۵: ۵۴)

در ایران نگرش به فرهنگ در حیطه آموزش و به‌خصوص آموزش و پرورش، نگرشی ایدئولوژیک و کاملاً سیاسی

آموزش با کیفیت دارای دو مؤلفه: «عملکرد یادگیرنده» و «محیط یادگیری» است

است. به تعبیر دیگر، فرهنگ در گفتمان رسمی آموزش در ایران اعم از آموزش عمومی یا آموزش عالی، هم معنا با مفهوم «ایدئولوژی» است (فاضلی، ۱۳۹۰: ۴۷). از جمله پدیده‌های جدید مرتبط با این بخش، پدیده چندفرهنگی (افروز، ۱۳۸۴: ۱۵)؛ دوگانگی بین مدرسه و اجتماع (خورسندی، ۱۳۸۵: ۷۰)، جهانی‌شدن، انحطاط اخلاقی، اشاعه دموکراسی، انفجار دانش و گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات (فاضلی، ۱۳۹۰: ۱۴۲) است. یکی از کلیدی‌ترین پدیده‌های مؤثر بر آینده تعلیم و تربیت، پدیده فناوری اطلاعات و ارتباطات است که مهرمحمدی (۱۳۸۷) از آن با عنوان «پدیده تمدن‌ساز» یاد نموده است؛ پدیده‌ای که به نظر می‌رسد آینده تعلیم و تربیت را دگرگون خواهد کرد. از طرفی فاضلی (۱۳۹۰) چالش‌های فرهنگی موجود در زمینه فرهنگ فناوری در آموزش و پرورش را در پنج دسته چالش نسلی، چالش تاریخی، چالش محیطی، چالش کارکردی و چالش اجتماعی طبقه‌بندی کرده است (فاضلی، ۱۳۹۰: ۱۵۶-۱۴۳).

۲. برنامه درسی

از منظر برنامه درسی، چالش‌هایی همچون ضعیف شدن سهم برنامه درسی رسمی در یادگیری و کم‌توجهی روزافزون به آن، برآورده نشدن نیازها و علایق دانش‌آموزان، تربیت یک‌بعدی یا چندبعدی (به جای دیدن تمام جوانب تربیتی)، عدم موفقیت دانش‌آموزان در اجتماع و بازار کار آینده و ناتوانی در حل مسائل، بحران هویت، چندفرهنگی و کم‌رنگ شدن فرهنگ ملی، پایین بودن سطح مشارکت در تدوین برنامه‌های درسی و انعطاف‌ناپذیری نظام برنامه‌ریزی درسی ایران، نظام برنامه‌ریزی درسی موضوع‌محوری/ دیسیپلین‌محور، گسترش روزافزون برنامه درسی پنهان (فاضلی، ۱۳۹۰، ۹۸-۱۰۲)، به‌روز نبودن راهبردهای یاددهی - یادگیری، تأخر فرهنگی در منابع آموزشی و درسی (آقایی، ۱۳۸۹: ۱۲)، ضعف در اجرای صحیح برنامه‌های درسی، خصوصاً فاصله زیاد بین برنامه درسی قصدشده و برنامه درسی اجرا شده (دانشور، ۱۳۸۷: ۲۲۲)، محوریت یادگیری حافظه‌محوری و موقتی و با نیت قبولی در امتحانات و نهایتاً

رقابتي در دنيا مطرح مي‌کند. وي مي‌گويد: «مشکلي که در برنامه‌هاي درسي مدرسه و دانشگاه داريم اين است که از يک طرف حجم درس‌ها زياد است و از طرف ديگر اين درس‌ها افق فکري زمانه را به دانش‌آموز يا دانشجو نشان نمي‌دهد. در شرايط کنوني، فاصله بين افق فکري دانش‌آموزان و دانشجويان کشور ما با دانش‌آموزان و دانشجويان اکثر کشورهايي که نظام‌هاي آموزشي مترقي دارند زياد است.» امروزه يکي از ابعاد جهاني شدن، توانايي رقابت با ديگر کشورها به حساب مي‌آيد؛ لذا اگر برنامه‌هاي درسي ما که به نوعي مدعي پيشبرد مؤلفه‌هاي نظام آموزشي هستند. از محتواي غني و روز آمد برخوردار نباشد، منتهي به عدم توان رقابت نظام آموزشي ما با نظام آموزشي ديگر کشورها خواهد شد (باقري، ۱۳۸۵). به بياني ديگر، چون پديده جهاني شدن به‌طور روزافزون نظام‌هاي برنامه‌ريزي درسي را به سوي خود مي‌کشاند و بايستي آموزش و پرورش دوره متوسطه به اصطلاح جهاني بياندیشد و ملي عمل نمايد.

۳. مدرسه

مدرسه به‌عنوان پاينگاه تربيتي نقش اساسي در تربيت آينده‌سازان جوامع دارد. فاضلي (۱۳۹۰) معتقد است جامعه امروزي به تعبير زيگموند باومن «جامعه‌اي سيال و در حال تغيير» است، جامعه‌اي که مصرف کننده در آن اهميتي بيش از توليد کننده دارد، جامعه‌اي که در آن وجود مصرف کننده‌اي شاد و اهل خرج کردن ضرورت دارد؛ براي فرد مصرف کننده خرج کردن نوعي وظيفه است... واقعيت، به نحوي که مصرف کننده آن را تجربه مي‌کند، تعقيب لذت است... لذت حسي بي‌واسطه‌اي مثل خوراک لذيذ و... يا لذت احاطه شدن با چيزهاي پرزرق و برق (باومن، ۱۳۸۴، ص ۱۱۴). بايد تلاش کنيم تا نشان دهيم که در چنين جامعه‌اي آموزش و مدرسه به کجا و کدام‌سو روان است. و رسانه‌اي شدن فرهنگ به‌عنوان يک عامل اثرگذار در نظام آموزشي، چه پيامدهايي براي آينده مدرسه در ايران دارد. استدلال وي اين است که «نظام مدرسه‌اي مدرن در ايران، در نتيجه تحولات گوناگون در دهه‌هاي اخير، کارايي‌هاي سنتي‌اش را از دست داده و ناگزير بايد متحول شود در غير اين صورت نابود مي‌شود.» (فاضلي، ۱۳۹۰، ۱۰۴). با اين اوصاف در خصوص جايگاه مدرسه آينده، مؤلفه‌هايي همچون مديريت مدرسه محور (سميعی‌نژاد و کوشري مقدم، ۱۳۸۷)، ضعف در آموزش‌هاي پايه عمومي، تفاوت دبیرستان و دبستان در تأثير پذيري و نقش خانواده (فاضلي، ۱۳۹۰)، هدايت تحصيلي، علايق و گرايش



«نظام مدرسه‌اي مدرن در ايران، در نتيجه تحولات گوناگون در دهه‌هاي اخير، کارايي‌هاي سنتي‌اش را از دست داده و ناگزير بايد متحول شود در غير اين صورت نابود مي‌شود.»

بي سواد بار آمدن دانش‌آموزان و مسائلي از اين قبيل در پيش‌روي آموزش و پرورش دوره متوسطه خواهد بود. از آنجا که تأثير برنامه درسي به‌گونه‌اي است که بيشترين نقش را در نظام آموزشي و به نوعي در خط‌مشي دهی به کلاس درسي داشته و به نوعي به ديگر عناصر نظام آموزشي نيز جهت‌دهي مي‌نمايد، توجه به اين مسائل در برنامه‌هاي آينده نظام آموزشي متوسطه ضرورتي انکارناپذير است. باقري (۱۳۸۵) نيز مسئله برنامه‌هاي درسي را از بُعد

معلم یکی از عناصر اصلی در نظام تربیتی است که نه تنها دانش و تخصص وی در این راستا مؤثر است، بلکه عملکرد و رفتار او به عنوان الگویی عملی در تربیت دانش آموزان تأثیر غیرمستقیم دارد

ارزشیابی می‌بایست مسئله‌ها، تهدیدها و فرصت‌های پیش‌روی نظام تربیتی را شناسایی کند و در اختیار متولیان هر یک از حوزه‌های زیرمجموعه آموزش و پرورش جهت تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی بهتر و آینده‌نگرتر قرار دهند.

۶. یادگیرنده

ابری و باد و مه و خورشید و فلک نظام تربیتی از حوزه ستاد تا کلاس درسی در تلاشند که یادگیرنده شایستگی‌های تربیتی موردنظر را کسب نمایند. یونسکو اصول و محورهای چهارگانه آموزش در قرن بیست و یکم را «یادگیری برای دانستن»، «یادگیری برای انجام دادن»، «یادگیری برای بودن» و «یادگیری برای با هم زیستن»، مطرح نموده است که بایستی به‌طور هم‌زمان و توأمان مورد توجه قرار گیرند. در تمام اینها یادگیرنده نقطه هدف است و توجه به ابعاد همه‌جانبه تربیت وی محوریت دارد. فاضلی (۱۳۹۰) با نگاهی آینده‌نگر معتقد است همان‌طور که ظهور فناوری‌های نوین مانند اینترنت، موبایل و ماهواره توانسته‌اند سرنوشت زندگی انسان را دگرگون کنند، در آینده نیز ممکن است ظهور فناوری «مابعدنوبین» همه چیز را برای چندمین بار زیر و رو سازد؛ و نه تنها ظهور فناوری‌های تازه بلکه حوادث طبیعی نیز می‌تواند هر لحظه سرنوشت ما را متأثر سازد. (فاضلی، ۱۳۹۰: ۱۰۵). بنابراین تربیت و آماده‌سازی خروجی نظام آموزشی متوسطه خصوصاً آن‌هایی که برای ورود به زندگی آینده و یا کار و شغل مهیا می‌شوند، کاری بسیار حساس و مشکل است. با این اوصاف چالش‌های پیش‌روی نظام آموزش متوسطه کشور مرتبط با یادگیرنده آن است که نیازهای آموزشی و مسئله‌های نسل آینده متفاوت از واقعیت‌های جامعه امروزی است و در شرایط امروزی دانش‌آموزی با روحیات و از جنس دیگر در کلاس درس و مدرسه حاضر خواهد شد و برنامه‌ریزی آینده‌نگران‌ه‌ای را می‌طلبد که به نظر می‌رسد بازنگری جدی در نظام آموزشی موجود، برای برآورده‌نمودن نیازهای آنان و جلب توجه و جذب آن‌ها، ضروری است.

دانش‌آموزان و نیاز جامعه (مهاجری، ۱۳۸۵)، دین‌دار کردن دانش‌آموزان (باقری، ۱۳۸۵)، فضا، تجهیزات، امکانات و فناوری در مدرسه، ضعف در مهارت‌های ارتباطی فارغ‌التحصیلان (آلین تافلر، ۱۳۷۲؛ به نقل از آقایی، ۱۳۸۹، ۱۸)، پیدایش فاصله طبقاتی آموزش به سبک جدید، پدیده فرار مغزها و اتلاف مغزها و فارغ‌التحصیلان کم‌سواد (آقایی، ۱۳۸۹، ص ۹) از جمله مسئله‌های اصلی مرتبط و مؤثر بر مدارس آینده و چالش‌های پیش‌روی آن‌هاست که در آموزش و پرورش دوره متوسطه بسیار اثرگذار خواهند بود.

۴. جایگاه و نقش معلم

معلم یکی از عناصر اصلی در نظام تربیتی است که نه تنها دانش و تخصص وی در این راستا مؤثر است، بلکه عملکرد و رفتار او به عنوان الگویی عملی در تربیت دانش‌آموزان تأثیر غیرمستقیم دارد. عبدالمهی (۱۳۸۳) در طرح ارزیابی برنامه سوم توسعه، چالش‌های عمده این برنامه را در زمینه آموزش و پرورش ایران بررسی کرده و مهم‌ترین معضل مربوط به معلمان را پایین بودن کارایی حرفه‌ای آنان در استفاده از فنون تدریس دانست. مهرمحمدی (۱۳۸۶) آورده است: «پروفسور کلاین در صحبتی در مورد نظام آموزشی ایران می‌فرماید: اگر نظام تربیت معلم شما (ایران) مثل کشور ما (آمریکا) است برنامه‌ریزی درسی ۱۹۴۹ تا پلر (نظام سنتی) باید استفاده کنید». این نشان از اهمیت جایگاه تربیت معلم و نقش معلم در نظام آموزشی و ضرورت به‌روز بودن دانش وی دارد. ضرورت مشارکت معلم در برنامه‌ریزی درسی مناسب و هماهنگ با نیازهای دانش‌آموزان و واقعیت‌های اجرا از مسئله‌های پیش‌روی این حوزه است. از طرفی معتقدند معلم به جای این که نقش ماشینی مکانیکی و ضبط صوت را داشته باشد، باید بتواند در خلق و آفریدن معناها مشارکت کند.

۵. پژوهش و ارزشیابی

تمام مؤلفه‌های نظام آموزشی از جمله برنامه درسی، فرایند یاددهی یادگیری و غیره با پژوهش و تحقیق ارتباطی درهم‌تنیده دارند و گاهی نتایج ارزشیابی، محصولی برای تدوین برنامه درسی خواهد شد. بنابراین این مؤلفه نقش اساسی در دیگر مؤلفه‌های تعلیم و تربیت دارد. برای توضیح بیشتر باید گفت در اسناد تحول بنیادین آموزش و پرورش چند مأموریت اصلی برای زیرنظام پژوهش و ارزشیابی تعیین شده است که از جمله آن‌ها مأموریت پیشگیرانه است (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰: ۳۸۵). بدین معنی که حوزه پژوهش و

«یادگیرنده فردا و حتی یادگیرنده امروز، از هر نظر بسیار متفاوت از یادگیرنده دیروز است.»

نتیجه‌گیری

تربیت آینده‌سازانی در طراز جمهوری اسلامی ایران، نقطه محوری و شاه‌بیت چشم‌انداز اسناد تحول بنیادین آموزش و پرورش است. دوره تحصیلی متوسطه به‌عنوان واسطه بین دوره آموزش عمومی و آموزش عالی و بازار کار و زندگی از نقش بسزایی در این راستا برخوردار است. از آنجا که تعلیم و تربیت ماهیتاً «آینده‌نگر» است، ساری و جاری بودن رویکرد آینده‌نگری در تار و پود و اجزای وارکان آموزش و پرورش دوره متوسطه نیز انکارناپذیر است. مؤلفه‌هایی همچون برنامه‌های درسی و به تبع آن کتاب درسی، معلم، ارزشیابی، فضا، تجهیزات و فناوری (محیط یادگیری)، جریان فرهنگی حاکم بر مدرسه و جامعه، یادگیرنده و مدیریت و رهبری که هم مورد تأکید اسناد تحول بنیادین آموزش و پرورش بوده و هم در اسناد بین‌المللی تعلیم و تربیت مورد توجه قرار گرفته اند، در این خصوص نقش کلیدی دارند.

اسناد تحول تحول بنیادین به‌عنوان اسناد بالادستی و جهت‌دهنده در تصمیم‌گیری‌ها، سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های نظام تعلیم و تربیت نیز با رویکرد آینده‌نگری طراحی و تدوین شده‌اند و بر تربیت آینده‌سازانی مطلوب و تأثیرگذار تأکید دارند. از جمله مصادیق این امر می‌توان به یکی دو مورد از ویژگی‌های مرحله چهارم تربیت (دوره دوم متوسطه) که در این اسناد آمده است، اشاره نمود که آورده است: «با توجه به اهمیت رکن خانواده در نظام اجتماعی، برنامه‌ها و فرصت‌های تربیتی باید ضمن توجه به تفاوت‌های خلقی و خلقی^۵ متربیان به‌گونه‌ای تدارک دیده شود که مهارت‌های ورود به زندگی مستقل، زندگی خانوادگی، تربیت فرزند و زندگی حرفه‌ای را ایجاد نماید.» و در ادامه آمده است «زمینه‌سازی برای ... وحدت‌بخشی میان نقش‌های وجودی و اجتماعی متربیان همسو با نیازهای حال و آینده جامعه.» (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰: ۳۵۲).

با این وجود پیشنهاد می‌گردد برنامه‌ریزی‌های آموزشی و درسی در تعلیم و تربیت دوره متوسطه با رویکردی آینده‌نگرانه و با در نظر گرفتن مؤلفه‌های اساسی این حوزه که به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌گردد، صورت پذیرد:

- در نظر گرفتن پدیده جهانی شدن در کنار توجه به فرهنگ بومی و نیازهای محلی، تلاش برای کاهش دوگانگی بین مدرسه و اجتماع، در نظر داشتن پدیده چند فرهنگی و کم‌رنگ شدن فرهنگ ملی، بحران هویت و انحطاط اخلاقی پیش‌آمده در جوامع مختلف، توجه به نیازهای واقعی جامعه آینده و فرهنگ حاکم بر آن (و البته با رویکرد اصلاحی)، توجه به نقش خانواده با ویژگی‌های حال و آینده در نظام آموزشی، جدی گرفتن نقش و سهم رسانه‌ها (به‌ویژه رسانه‌های پرشمار که یکی از اضلاع ارتقای یادگیری در دنیای امروزی می‌باشد)، حکومت و سیاست، اقتصاد محیطی و دیگر پدیده‌های اجتماعی در تربیت آینده‌سازان و تعامل قوی‌تر با آن‌ها، در نظر داشتن نقش محوری فناوری اطلاعات و ارتباطات به‌عنوان پدیده «تمدن‌ساز» و چالش‌های مرتبط با آن که شامل چالش نسلی، چالش تاریخی، چالش محیطی، چالش کارکردی و چالش اجتماعی و مسائلی از این قبیل است.

- تغییر نگاه به مدرسه و توجه به آن به‌عنوان پایگاه تربیتی، مدرسه‌محوری و نقش کلیدی مدیر مدرسه در تربیت دانش‌آموزان و اجرای برنامه‌های آموزشی و درسی، اهمیت مسئله هدایت تحصیلی و توجه به علائق و گرایش دانش‌آموزان و استعدادیابی صحیح در این راستا، نحوه دین‌دار کردن دانش‌آموزان، ضرورت و اهمیت طراحی و فراهم نمودن فضا، تجهیزات، امکانات و فناوری مورد نیاز آموزش و پرورش آینده در مدرسه، رفع حصارکشی بین بُعد پرورشی و بُعد آموزشی در نظام تعلیم و تربیت و غیره.

- در بحث جایگاه و نقش معلم، تربیت معلم آینده‌نگر با تسلط بر انواع سوادهای مورد نیاز جامعه امروزی از جمله سواد اطلاعاتی، سواد رسانه‌ای، سواد تربیتی و غیره، اهمیت نقش الگویی معلم برای دانش‌آموزان، عنایت لازم به برنامه‌ریزی جهت بالا بردن روزافزون کارایی حرفه‌ای معلمان در فرایند یاددهی یادگیری، مشارکت آنان در تدوین برنامه‌های درسی و آموزشی و برنامه‌های تحولی، هماهنگی آموزش‌های معلمان با نیازهای دانش‌آموزان و واقعیت‌های محیط اجرا و کلاس درس در حوزه تربیت معلم، از مسئله‌های اصلی پیش‌روی این محور تربیتی است. به بیان دیگر تربیت معلمی فکور، پژوهشگر و خلاق از استلزامات موفقیت آموزش و پرورش آینده است.

- محور کلیدی دیگر در عرصه تعلیم و تربیت، یادگیرنده است که در اهمیت آن فقط در یک جمله باید گفت، «یادگیرنده فردا و حتی یادگیرنده امروز، از هر نظر بسیار متفاوت از یادگیرنده دیروز است.» چرا که همه عوامل فعال در تعلیم و تربیت نقطه هدفشان یادگیرنده است. از طرفی «یادگیری برای دانستن»، «یادگیری برای انجام دادن»، «یادگیری برای بودن» و

«یادگیری برای با هم زیستن»، در دنیای امروز بسیار مهم است. بنابراین تربیت و آماده‌سازی فراگیران دوره متوسطه که اکثر آن‌ها بایستی برای ورود به زندگی آینده و یا کار و شغل مهیا شوند، بسیار مهم است.

- در حوزه برنامه درسی تأکید می‌شود به دغدغه‌هایی همچون ضعیف شدن سهم برنامه درسی رسمی در یادگیری و تربیت دانش آموزان و کم‌توجهی روزافزون به آن، کم‌توجهی به نیازها و علایق دانش آموزان، تربیت یک‌بعدی یا چندبعدی (به جای دیدن تمام جوانب تربیتی)، پایین بودن سطح مشارکت معلمان و دیگر متخصصان مرتبط در تدوین برنامه‌های درسی و انعطاف‌ناپذیری نظام برنامه‌ریزی درسی ایران، موضوع محوری/ دیسپلین محوری نظام برنامه‌ریزی درسی، گسترش روزافزون برنامه درسی پنهان و به‌روز نبودن راهبردهای یاددهی - یادگیری، فاصله زیاد بین برنامه درسی قصد شده و برنامه درسی اجرا شده، محوریت یادگیری حافظه‌محوری و موقتی و مسائلی از این قبیل، توجه شود.

در حوزه پژوهش و ارزشیابی، رویکرد پژوهشگران می‌بایست روشن‌گری در تعیین مسیر درست آینده تعلیم و تربیت باشد و ضمن ارائه راهکارهای درمانی برای آسیب‌های موجود، با شناسایی مسئله‌ها و چالش‌های پیش‌رو و ارائه راه‌حل‌های پیشگیرانه، آینده تربیتی دانش‌آموزان را تضمین و تصمیم‌گیران و برنامه‌ریزان را در این خصوص یاری نمایند. همچنین طراحی، تدوین و پیاده‌سازی نظام ارزشیابی مشخص، تأثیرگذار و دقیق برای سنجش آموخته‌ها مبتنی بر اسناد تحولی از ضروریات این حوزه است.

پی‌نوشت‌ها

1. Ormstien & Hunkins
2. Tofler
3. Burdin

۴. در این مقاله منظور از دوره متوسطه، دوره تحصیلی دوم متوسطه است.

۵. مصوبه ۱۳۸۱/۸/۱-۳۱۳۴-دش - شورای عالی انقلاب فرهنگی؛ تبیین حکمت الهی درباره زن و مرد در خصوص تفاوت‌های خلقی و خلقی آنان به‌عنوان راز تداوم حیات بشر و زدودن تفکر غلط برتری یکی بر دیگری.

منابع

۱. اعظمیان، مولود (۱۳۸۷). ارزشیابی پیشرفت تحصیلی همه‌جانبه‌نگر. چکیده مقالات همایش برنامه درسی ملی؛ چشم‌اندازها و دیدگاه‌ها، ۳۰ و ۳۱ مرداد.
۲. افروز، غلامعلی (۱۳۸۴). «جهانی شدن و تعلیم و تربیت اسلامی؛ فرصت‌ها و تهدیدها» مجموعه مقالات اولین همایش ملی جهانی شدن و تعلیم و تربیت، جهاد دانشگاهی واحد تهران، ص ۴۱۱-۴۲۳.

۳. امیری، علی (۱۳۶۹). تفکر درباره تحولات آینده آموزش و پرورش. تهران: انتشارات مدرسه.

۴. آزادمنش، ناهید (۱۳۸۶). سیر تحول برنامه درسی و ضرورت نگرش راهبردی به آن در عصر تحولات فناوری اطلاعات و ارتباطات. مجموعه مقالات اولین همایش تحلیل و تنظیم نظام علوم تربیتی؛ ۲۳ و ۲۴ شهریورماه ۱۳۸۴. مشهد: دانشگاه فردوسی.

۵. آقایی، علی (۱۳۸۹). آینده‌شناسی در آموزش و پرورش. مشهد: آستان قدس رضوی، شرکت به نشر.

۶. تافلر، الوین (۱۳۷۳) به سوی تمدن جدید، ترجمه محمدرضا جعفری، تهران: سیمرغ.

۷. تافلر، الوین (۱۳۷۷). آموختن برای فردا. ترجمه بابک پاکزاد، رضا خیام، تهران: نشر بینا.

۸. تافلر، الوین (۱۳۷۹). جابه‌جایی قدرت - دانایی و ثروت در آستانه قرن ۲۱. ترجمه شهین دخت خوارزمی، تهران: نشر مترجم.

۹. جوادی، محمدجعفر (۱۳۸۴). «چالش‌های اخلاقی ناشی از جهانی شدن و راهکارهای آموزشی آن»، مجموعه مقالات اولین همایش ملی جهانی شدن و تعلیم و تربیت، جهاد دانشگاهی واحد تهران، ص ۱۴۶-۱۳۱.

۱۰. حیدری، محمدحسین؛ پاک سرشت، محمدجعفر؛ صفایی‌مقدم، مسعود (۱۳۸۴). آموزش و پرورش آینده‌نگر. نشریه علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره ۱۲، شماره ۲، ص ۱۳۵-۱۶۲.

۱۱. خورسندی طاسکوه، علی (۱۳۸۵). نظام ارتباطی آموزش در ایران؛ آموزش متوسطه و آموزش عالی با تأملی بر علوم انسانی. با همکاری علی محمد کاردان، محمود مهرمحمدی، فریده مشایخ و... تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

۱۲. دانشور، میترا (۱۳۸۷). لوازم و زمینه‌های اجرا و اشاعه برنامه درسی، پاشنه آشیل یا چشم اسکندر. چکیده مقالات همایش برنامه درسی ملی؛ چشم‌اندازها و دیدگاه‌ها، ۳۰ و ۳۱ مرداد.

۱۳. سیلور، جی گالن و همکاران (۱۳۸۰). برنامه‌ریزی درسی برای تدریس و یادگیری بهتر. ترجمه خوی‌نژاد، تهران: سمت.

۱۴. فاضلی، نعمت‌ا... (۱۳۹۰). مردم‌نگاری آموزش؛ چند مطالعه مردم‌نگاری در زمینه آموزش و پرورش امروز ایران. تهران: نشر علم.

۱۵. کاکوجوباری، علی‌اصغر (۱۳۸۴). آموزش و پرورش آینده (جایگاه انسان)، تهران: انتشارات پژوهشکده تعلیم و تربیت. ج ۱.

۱۶. محمدی، جهانگیر (۱۳۸۴). مهارت‌های مورد نیاز معلمان در عصر دانایی. همایش معلم در عصر دانایی، اصفهان: واحد چاپ سازمان آموزش و پرورش.

۱۷. موسی‌پور، نعمت‌ا... (۱۳۹۱). مهندسی فرهنگی... مجله راهبرد، شورای عالی انقلاب فرهنگی، شماره ۱۷ و ۱۸.

۱۸. مهدیان، محمدجعفر (۱۳۸۵). مبانی و اصول تعلیم و تربیت، تهران: نشر ساوان.

۱۹. مهرمحمدی، محمود (۱۳۸۳). تدوین سیاست‌های راهبردی فناوری اطلاعات و ارتباطات در آموزش و پرورش. با همکاری عبدالحسین نفیسی، تهران: وزارت آموزش و پرورش.

۲۰. مهرمحمدی، محمود (۱۳۸۹). سخنرانی در نشست علمی ارائه یافته‌های پژوهش بررسی میزان رعایت اهداف شورای عالی آپ در برنامه‌های درسی، سالن طبقه هشتم سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی. خردادماه.

۲۱. مهرمحمدی، محمود (۱۳۷۴). بازاندیشی فرایند یاددهی - یادگیری. تربیت معلم. تهران: انتشارات مدرسه.

۲۲. نیل‌فروشان، هادی (۱۳۸۳). مقدمه‌ای بر معرفت‌شناسی آینده‌اندیشی. مجموعه مقالات نخستین کارگاه آینده‌اندیشی، تهران: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.